

## بررسی شخصیت عارف بزرگ شیعه آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی از منظر بزرگان و علمای شیعه

رضا تاج آبادی<sup>۱</sup> و سمیه شعبانی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش: تبیین و بررسی شخصیت عارف بزرگ شیعه آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی از منظر بزرگان و علمای شیعه می باشد.

روش پژوهش: مروری و به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه ای می باشد.

نتیجه گیری: یکی از برجسته ترین شخصیت‌های عرفان شیعی که از شهر اراک و استان مرکزی برخاسته و در عصر خود پرچمدار طریقت و سیر و سلوک اصیل الهی و عرفان شیعی بوده است، آخوند ملافتح علی سلطان آبادی، شیخ عالم جلیل و مفسر بی بدیل قرآن، عالم ربانی و ابوذری و مخزن اخبار و تفسیر آیات قرآن، چنان جایگاهی نزد بزرگان دین داشت که مراجع بزرگ آن زمان، نهایت تکریم را از وی به عمل می آوردند. ملافتحعلی سلطان آبادی در تفسیر قرآن تبحر خاصی داشت. گاهی برای برخی آیات، معانی متعددی بیان می کرد که علمای ممتاز آن را تفسیر تازه می دانستند. آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی در راه احیای معارف قرآن و اهل بیت (ع) و پرورش و هدایت ده‌ها تن از شیفتگان و عاشقان فرهنگ اهل بیت (ع) تلاش‌های فراوانی داشته است. ایشان باتوجه به اینکه مربی شایسته اخلاق و استاد معرفت و عرفان بود و معمولاً اهل این رشته به تربیت نفوس و مسائل فردی و معنوی می پردازند از خدمت به مردم و اهتمام به مسائل اجتماعی و توجه به آبادی و آبادانی غافل نبود. وی مردی قناعت پیشه و همیشه فردی آرام بوده است و از همگان به نیکی یاد می کرده است. آخوند سلطان آبادی با اینکه به خاطر خلوص نیت، تواضع و کمال معنوی و روحانی، امتیازات علمی و عملی و مقامات عالیله خویش را مخفی نگه می داشت، و تلاش می نمود که ابعاد بلند شخصیت علمی و معنوی اش علنی نگردد، بزرگان و شخصیت نگاران متعهد گوشه‌هایی از منزلت آن رادمرد الهی را به قلم آورده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** مراقبه نفس، ملافتحعلی سلطان آبادی، عرفان شیعه، نخبگان استان مرکزی، اراک.

<sup>۱</sup> - پژوهشگر و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان مرکزی؛ پست الکترونیکی: tajabadireza@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اراک، پژوهشگر.

## مقدمه

آخوند ملافتحعلی فرزند حسن سلطان آبادی در سال ۱۲۴۰ هـ. ق. در سلطان آباد اراک به دنیا آمد. دروس مقدماتی را در ایران فراگرفت و برای تکمیل دانش به نجف مهاجرت کرد. نخست به محضر صاحب جواهر شتافت و بعد از وفات وی از حضور شیخ مرتضی انصاری و حاج ملاعلی رازی استفاده کرد. در ادامه با میرزای شیرازی آشنا شد و اندوخته‌های علمی خود را کامل کرد. (صدوقی سه‌ها، ۱۳۵۹: ص ۲۳۹-۲۵۷؛ شریف رازی، ۱۳۵۲: ج ۳، ص ۵۱؛ امین عاملی، ۱۴۲۱ ق: ج ۸، ص ۳۹۲). ایشان در اراک به اقامه نماز جماعت می پرداخته و البته مراحل بالایی از علم، فضل و تقوا را پشت سر گذاشته است. (نعیمی، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۴۷۳).

آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی از علمای بارز اراک بودند که عنایات ربانی و فیوضات سبحانی دست او را گرفت و به واسطه‌ی چشم پوشی از تعلقات دنیا مضمون غضوا ابصارکم تروالعجائب، دیده اش به عجایب باز شد، چنان که فردا و فرداها برای او چون آینه روشنی نمودار می کرد. (نعیمی، ۱۳۸۵).

هنگامی که میرزای شیرازی در سال ۱۲۸۸ هـ. ق همراه با عده‌ای از شاگردان ممتازش از نجف اشرف به سامراء هجرت کرد، از جمله شاگردان همراه وی می توان سید اسماعیل حسینی شیرازی، سید اسماعیل صدر موسوی، سید محمد حسینی فشارکی، سید کاظم طباطبائی یزدی، سید حسن صدر موسوی عاملی، سید عبدالمجید حسینی گروسی، سید ابراهیم دامغانی، میرزا محمدتقی شیرازی، ملامحمد کاظم خراسانی، آقارضا همدانی، میرزا حسین نوری، شهید شیخ فضل الله نوری، ملافتحعلی سلطان آبادی، میرزا حسین نائینی و... را نام برد. میرزای شیرازی دو درس می گفت و یارانش همراه او بودند. ملافتحعلی در سامرا اقامت گزید و خیلی مورد توجه استاد قرار گرفت تا جایی که به نیابت از وی اقامه جماعت می کرد و بارها استادش به او اقتداء می نمود. بعد از رحلت میرزای شیرازی، ملافتحعلی به کربلا آمد و تا آخر عمر در آنجا ماندگار شد. (صدر، ۱۴۲۹ هـ. ق، ص ۲۰).

در کربلا هم مورد عنایت، اعتماد و توجه مردم قرار گرفت و البته مدتی با عارف بزرگ، ملا حسینقلی همدانی مرآوده داشت و بعدها این ارتباط کم رنگ شده است. (صدوقی سه‌ها، ۱۳۵۹: ص ۲۳۹).

از فضایل بارز اخلاقی ایشان، صبر و سکوت ایشان بود، چنانچه مرحوم محدث نوری می‌گوید: " در بین کسانی که آن‌ها را دیدم از همه از حیث جسمی رنجور و بیمارتر بوده است و نقل شده که در اواخر عمر بینایی خویش را از دست داده و قبل از آن گرفتار بیماری مزمن سواد بود. ( صدوقی‌سه‌ها، ۱۳۵۹: ص ۲۴۳). ایشان پس از عمری حیات طیبه، چهارم ربیع الاول سال ۱۳۱۸ ق در کربلا، دار فانی را وداع و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. ( امین عاملی، ۱۴۲۱ ق، ج ۸، ص ۳۹۲).

محدث قمی آورده است که در روز ورود جنازه به نجف اشرف، من در خدمت شیخ ( محدث نوری ) مرحوم به استقبال رفتم، پس به اعزاز و اکرام آن جنازه شریفه را آوردند و در صحن مقدس در جوار حضرت علی (ع) دفن کردند و شیخ مرحوم در ایام حیات شان، صبح‌ها قبل از آفتاب، سر مقبره ایستادن می‌آمد و قرآن می‌خواندند. ( صدوقی‌سه‌ها، ۱۳۵۹: ص ۲۵۳).

مرحوم آخوند ملافتحعلی که جامع خصایل فاضله بود هیچ‌گاه از بخشش و انفاق آنچه داشت دریغ نمی‌ورزیدند. او دنیا را هیچ‌می‌دانست و دیده‌ی حق بینش تنها آخرت را نظاره‌گر بود. ملافتحعلی سلطان‌آبادی را عارف سیر و سلوک باید دانست چرا که جوهره اندیشه‌های او در باره سیر و سلوک شرعی است. وی از شاگردان ملا حسین قلی همدان از عارفان بزرگ بوده است و شسیوه سلوک خود را از آن استاد بزرگ گرفته است ( افراسیاب پور و شاکری، ۱۳۹۳: ص ۱۴۶-۱۴۷).

آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی از علمای بارز اراک بودند که عنایات ربانی و فیوضات سبحانی دست او را گرفت و به واسطه‌ی چشم‌پوشی از تعلقات دنیا، دیده‌اش به عجایب باز شد و در نتیجه تلاش بی‌وقفه و مجاهده با مساعدت حق تعالی، غبار مادیت را از دیده و زنگارهای دنیایی از صفحه قبل خود زدود و دده‌اش به عالم حقایق باز و لسانش به الهامات الهی ناطق گردید. آخوند سلطان‌آبادی با اینکه به خاطر خلوص نیت، تواضع و کمال معنوی و روحانی، امتیازات علمی و عملی و مقامات عالیه خویش را مخفی نگه‌می‌داشت، و تلاش می‌نمود که ابعاد بلند شخصیت علمی و معنوی‌اش علنی نگردد بزرگان و شخصیت‌نگاران متعهد گوشه‌هایی از منزلت آن رادمرد الهی را بیان کرده‌اند. شخصیت‌های نامداری در مکتب تربیتی ملافتحعلی به مقامات عالیه رسیدند یا از رهنمودهای وی تأثیر پذیرفتند مانند حاج

میرزا حسین نوری، آقا بزرگ ساوجی، آقا نجفی شهید اصفهانی، سید ابراهیم خراسانی، شیخ ابراهیم صاحب الزمانی سردرودی تبریز، سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، حاج شیخ عبدالنبی نوری طهرانی، شیخ علی محمد نجف آبادی و دیگر بزرگان و علمای شیعه. با وجود تاثیر گذاریهای فراوانی که کرامات باهره و مقامات ظاهره آن عارف بی بدیل و مفسر جلیل در تهذیب نفوس و تجلیه قلوب و اثبات حقانیت مذهب ناجیه و تحکیم بنیان مرجعیت داشته متأسفانه برگهای زرین زندگی ایشان در لابلای کتب و آثار پراکنده و نزد تاریخ شفاهی پنهان مانده است.

استان مرکزی و خصوصاً شهر اراک مهد مفاخر و مشاهیر بزرگ دینی همچون آقانورالدین عراقی، شیخ ملافتحعلی سلطان آبادی، آیت‌الله اراکی و حائری‌ها است که با جوشش انقلابی خود سهم بسیاری در کمک به امام راحل برای تغییر نظام از شاهنشاهی به اسلامی داشتند، اما متأسفانه معرفی این مشاهیر کمتر مورد توجه است و لذا بایستی در فرصتهای گوناگون، این مفاخر دینی به بهترین شکل معرفی شوند. نیک می‌دانیم معرفی این چهره‌های دینی فقط برای علما و جامعه روحانیت شناخته شده اند و اما نسل جوان از شناخت و آگاهی از سبک و شیوه زندگی آنان محروم هستند و وظیفه اهالی و اصحاب رسانه است که سبک زندگی اسلامی و عرفانی این بزرگان تاثیرگذار و ارزشمند را معرفی نمایند.

## بیان مسئله

در میان بزرگان شیعه، چه از علما و چه از صلحا، افراد بسیاری بوده اند که در مسایل عرفانی و ادراک شهودی و باطنی خداوند به مقامات بسیار عالی رسیده بودند ولی اسم مشخصی نداشتند. افرادی مانند سید بحر العلوم، سید ابن طاووس، ابن فهد حلی و... از علما، فقها و محدثان بزرگ شیعه هستند که مقامات معنوی و عرفانی بسیار والایی داشته اند ولی در زمان خود به عنوان عارف و صوفی و امثال آنها شناخته نمی شدند و خود نیز ادعا و هیاهویی در این باره نداشتند. البته بعضی از کسانی که تاریخ عرفا را نوشته اند به دلیل ظهور کشف و کراماتی از این بزرگان، برخی از آنها را در زمره عارفان شمرده اند ولی به هر حال آنان در زمان خود چندان مشهور نبوده اند. ما در بین علما و بزرگان شیعه کسانی نظیر مقدس اردبیلی، شیخ انصاری و شیخ جعفر کاشف الغطا را داریم که شاید چندان هم به ظهور کشف و کرامات معروف نباشند ولی بر اساس

قرآینی به جرات می‌توان گفت مقامات عرفانی و قربشان به خدای متعال از بسیاری از کسانی که به عرفان و تصوف مشهورند بیشتر است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۴۲-۴۸).

مرحوم آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی از الگوهای برتر و کامل سالک کوی حق و عاشق دیار محبوب و شائق لقای معبود بر همین صراط قویم و راه راست قرآنی - عترتی بوده است که مشرب اخلاقی و مسلک عرفانی ایشان نیز بر خودشناسی، خودسازی، تربیت نفس و همچنین رسیدن به توحید کامل بر محور شریعت محمدی (ص) استوار بوده است.

ارزش و اهمیت پرداختن به طریقه‌ی اخلاق و رفتار عرفانی ملافتحعلی سلطان‌آبادی از آن روست که علاوه بر پرداختن به مسئله‌ی مهمی که در عرفان اسلامی مطرح است و به تبیین درست سلوک عارفان شیعی می‌پردازد و با معرفی این عرفان، جوانان تشنه‌ی معنویت را که در عصر حاضر، بیش از پیش احساس نیاز به عالم معنا دارند و به همین دلیل به هر مکتب معناگرایی پناه می‌برند، به مسیر درستی راهنمایی می‌کند. بنابراین با توجه به عطش عرفانی و معنوی در جامعه و سر برآوردن عرفان‌های نوظهور و سکولار، پژوهش برای دستیابی به عرفان عملی شیعی یک ضرورت به نظر می‌رسد. این مقاله در پی آن است که به بررسی جایگاه سلوک عرفانی ملافتحعلی سلطان‌آبادی از دیدگاه علما و روحانیون روزگار زمان وی بپردازد.

### هدف و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به شخصیت عرفانی آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی، خاطرات مربوط به ایشان حاوی نکاتی مهم در اثبات حقانیت اسلام و تشیع و عرفان شیعی است. این مقاله در محورهای زهد و پارسایی در سیره ملافتحعلی، کرامات و حالات عرفانی و جلوه‌های صبر و گذشت در سیره ایشان، آثار و خدمات ایشان، مراتب علمی، رهنمودها و دستورالعمل‌های حیات طیبه در بیانات ایشان، معرفی شاگردان، زمان شناسی و آگاهی سیاسی، اجتماعی و نگاه بزرگان و مراجع درباره ایشان می‌باشد.

بزرگداشت و تکریم مقام علمی و معنوی مفاخر و بزرگان کشور در عرصه‌های مختلف تنها پاسداشت یک فرد نیست بلکه زدودن غبار غفلت و فراموشی از چهره‌گنجینه‌هایی است که هر کدام می‌توانند چراغ راه امروز نسل جوان ما شوند و تشنگان حقیقت را از سرگستگی

به ساحل اطمینان برسانند. آیت الله آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی اراکی که به حق مفسر بی‌بدیل، عالم ربانی و ابوذر ثانی لقب گرفته است، مجمع تقوی و ورع و ایقان و مخزن اخبار و تفسیر آیات قرآن و صاحب کرامت باهره بود.

هرچند فروغ سیمای علمی و معنوی آن عالم سالک نیز از گزند غفلت و بی‌توجهی به این سرمایه‌های گرانسنگ در امان نبوده است و غبار گذر ایام نگذاشته آنچنان که باید به آن یگانه دوران پرداخته و پژوهشگران و اندیشمندان جستجوگر گوهر دانایی و معنویت به اقیانوس عمیق و سرشار از خلوص، بندگی و اطمینان و به سیطره‌ی علمی ناشی از جهد و توکل او دست یابد. چه خسارت بزرگی است. غفلت از این سرمایه‌های بی‌بدیل.

### اهداف مقاله

۱- بیان زهد و پارسایی در سیره عملی آیت الله آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی (ره) ۲- آیت الله آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی (ره) از منظر بزرگان و مراجع ۳- کرامات و حالات عرفانی در سیره عملی آیت الله آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی (ره)، ۵- مراتب علمی آیت الله ملافتحعلی سلطان‌آبادی (ره)، ۶- رهنمودها و دستورالعمل‌های حیات طیبه در بیان آیت الله ملافتحعلی سلطان‌آبادی (ره) ۷- شاگردان مکتب تربیتی آیت الله آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی (ره).

### پیشینه تحقیق

امین (۱۳۷۵) در مقاله‌ی ای اظهار می‌دارد که عارف مرتاض، آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی، استاد حاج میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰) صاحب مستدرک الوسائل، از اجله اوتاد و ابدال قرن اخیر، و متعلق به علمای عارف مسلک معروف به اخلاقیون بوده است.

نعیمی (۱۳۸۶) در کتاب خود تحت عنوان سلطان سلوک، بخشی از کمالات و خصوصیات معنوی، عارف و شخصیت اخلاقی برجسته شیعه آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی را، بیان کرده است. در فصل اول روشهای سیر و سلوک و مقامات سلوک از دیدگاه عرفا و خلاصه‌ای از رساله صد میدان و شرحی از رابطه شریعت، طریقت و حقیقت بیان شده سپس شرح زندگی، تحصیلات، روش سلوکی، کرامت‌های ربانی و گزیده‌ای از مواعظ و سخنان سلطان‌آبادی آمده است.

افراسیاب پور و شاکری (۱۳۹۳) در مقاله خود بیان کردند که بر خلاف سلسله‌های صوفیه که به فرقه‌گرایی روی آوردند در عرفان اصیل شیعی، بر پیروی از فرامین الهی و سنت رسول اکرم (ص) و سیره امامان معصوم تکیه می‌شود و در طریقت خود سیر و سلوکی را ترویج می‌کنند که بر اساس عبادات شرعی استوار شده است. یکی از بزرگترین نمایندگان آن، آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی (اراکلی) است که طریقت عرفانی و دستورات سلوکی و تربیت اخلاقی را با نماز، تهجد و دعاها، شیعی به ویژه زیارت عاشورا و ذکرهای قرآنی ثمر بخش به شمار می‌آورد و خود با اجرای همین احکام شرعی و عبادات معنوی به درجات بالای عرفانی نایل می‌آید و شاگردانی بی‌نظیر را نیز بر همین اساس تربیت می‌کند، امام خمینی (ره) شاگرد با واسطه ایشان به شمار می‌آید.

### عرفان عملی و سلوک عارف

عرفان نوعی معرفت سلوکی، ذوقی، کشفی و باطنی است که بر تهذیب نفس، سیر و سلوک، طی مقامات و منازل، تزکیه درون و طهارت روح تکیه دارد. عارفان حقیقی کسانی هستند که از رهگذر ولایت بر مدار شریعت و طی طریق و صراط مستقیم رب به مقامات معنوی و فتوحات غیبی راهیابی داشته تا به مرتبه فنای کامل دست یابند. (نثاری، ۱۳۸۵: ص ۹).

آنچه سالک و عاشق را به سلوک و عرفان می‌رساند، رسیدن به مرحله‌ای از آگاهی است که عرفا از آن به یقظه تعبیر می‌کنند. یقظه، زمینه ساز عشق و علاقه نیرومندی می‌شود که انسان را برای دل‌کندن از همه دلبستگی‌ها و بریدن از تمامی وابستگی‌ها آماده می‌سازد. تلخی‌های بریدن از علایق، و دشواری دست‌شستنم از زندگی روزمره و درگیری با مشکلات راه و ناهماهنگی با مردم عادی که همچنان بر معیارهای حیات روزمره وفادارند روح انسان را سخت در تنگنا قرار می‌دهد، به گونه‌ای که انسان دچار نوعی وحشت، غربت و تنهایی می‌شود. مظهر این تلاش و اراده ظاهری سالک، بیشتر باید در چهار جنبه نمایان شود. سالک با توجه به این چهار جنبه، به تدریج خود را از حیات حیوانی و روزمره جدا ساخته، به قلمرو حیات معقول، مجرد، معنوی و الهی گام می‌نهد. این چهار جنبه عبارتند از: خاموشی، عزلت و کناره‌گیری، گرسنگی و بی‌خوابی (یثربی، ۱۳۸۶: ص ۲۷).

با رعایت این چهار جنبه، به تدریج بشریت به فرشتگی، بندگی، به خداگونگی و شنیدن و دانستن، به دیدن و رسیدن تبدیل می‌شود. در این سیر و عروج، زهد و عبادت با معنا اعم از واجبات و مستحبات، عشق عفیف، توجه به زیباییهای محسوس و معنوی، سماع متناسب و دارای شرایط، تعالیم سنجیده و متناسب، رفیقان هم‌دل و همراه و با همت و مرشد و معلم آگاه و اختصاصی، از شرایط عمده توفیق هستند. در میان کارهای مستحب، تلاوت کلام الله مجید و ذکر لا اله الا الله جایگاه ویژه‌ای دارد. (یثربی، ۱۳۸۶: ص ۲۸).

عارفان بزرگ شیعه به ویژه در این چند قرن اخیر، با نزدیک شدن به عرفان ولایی اهل بیت (ع)، گامهای بزرگی در این راه برداشته‌اند، با این همه آموزه‌های عرفان ناب ولایی چنانکه بایسته است از سیره و سخنان آنان تبیین نشده است. (عباس پور، ۱۳۹۰: ص ۱۱۹).

مشرّب اخلاقی و مکتب سلوکی ملافتحعلی سلطان‌آبادی ویژگیهای مهم زیر را داشت: مبتنی بر خودشناسی و خودسازی بود، بر مدار و محور شریعت الهی، قرآن کریم، سنت و عترت اهل بیت (ع)، الگوی اخلاقی و تربیتی ایشان، پیامبر اکرم (ص)، امامان (ع)، سیره علمی و عملی و استادش ملا حسین قلی همدانی سیر و سلوکش بود. دارای مراقبه نفس و ولایت شناس و ولایت یاب بود.

### آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی (۱۳۱۸-۱۲۴۰ ق)

یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های عرفان شیعی که از اراک و استان مرکزی برخاسته و در عصر خود پرچمدار طریقت و سیر و سلوک اصیل الهی بوده است. آخوند ملافتحعلی پسر ملاحسن عراقی می‌باشد که تاریخ تولد او را بین سالهای ۱۲۳۶ تا ۱۲۴۰ ق گفته‌اند. ( صدوقی‌سها، ۱۳۵۹: ص ۱۴۲). که در خانواده‌ای مقدس و با تقوا و کشاورز در اراک به دنیا آمده است و حکایاتی در باره زهد و اعتقاد راسخ پدرش موجود است که او را صاحب الهام‌ها و مقاماتی معنوی نشان می‌دهد. ( عراقی میثمی، ۱۳۵۲: ص ۲۶۱).

آخوند ملافتحعلی در ایران و عراق تحصیل می‌کند و استادان بر جسته عصر خود را درک می‌نماید و از آنها بهره‌ها می‌برد. یکی از استادان او در شهر اراک، حاج سید محمد سلطان‌آبادی ( متوفی ۱۲۶۴ ق) می‌باشد که کراماتی از او نقل است و در سلوک خود بر ذکر و دعا تکیه داشته است. در عتبات عالیات نیز همه عالمان بزرگ تشیع چون مرتضی انصاری



ومیرزای شیرازی وحاج محمدحسین نجفی صاحب جواهر را درک میکند. (آقا بابا، ۱۳۷۸:ص ۲۷۱).

در سیر و سلوک عرفان شیعی، شاگرد ملا حسین قلی همدانی، برجسته ترین عارف عصر خود می شود که او نیز شاگرد سید علی شوشتری، مرشد بی نظیر معنوی بود. کسانی که رایحه معنویت را از ملاحسین قلی همدانی درک کردند اغلب به مقامات والای عرفانی رسیدند و تعداد آنها را بیش از دویست نفر گفته اند که برجسته ترین آنها آخوند ملافتحعلی، شیخ محمد بهاری همدانی، سید احمد کربلایی، میرزا جواد آقای ملکی تبریزی و سید محمد سعید حبویی بوده اند، که همگی سیره امامان معصوم (ع) را سر لوحه سیر و سلوک خود قرار داده بودند. امام خمینی (ره) از شاگردان همین مکتب بود و از دو طریق به ملا حسین قلی همدانی می رسید و استادان او در عرفان و فقه از شاگردان آن عارف بزرگ بودند. ملافتحعلی در باره استاد خود گفته است: «من سی سال چراغ کشی آخوند ملاحسین قلی همدانی را کردم تا از پرتو نور معرفتش بهره مند گردم» (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۱۳۸).

ملافتحعلی سلطان‌آبادی در همه توصیه های خود بر سلوک و سیر به سوی خداوند تکیه می نماید. به شاگردان و مشتاقان توصیه می کند که با عبادات شرعی، ادعیه و اذکار شیعی سیر و سلوک نمایند. این همان مطلبی است که در عرفان به تفصیل بدان پرداخته اند. این سر و سفر را ظاهری، جسمانی و مادی نمی دانند بلکه سفری معنوی و حرکت از عالم شهادت به سوی عالم غیب است به همین دلیل ایشان با چنین سفری پرده از مقابل چشمانش برداشته شده بود و در موارد متعددی آینده را دیده و برای اطرافیان بیان کرده است ( افرسیاب پور وشاکری، ۱۳۹۳: ص ۱۴۵).

### کرامات آیت الله آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی(ره)

سیره مرحوم آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی که از کرامات بسیاری برخوردار بوده برای کسانی که در نور دیدن پله های نردبان ترقی، کمال انسانیت را جستجو می کنند مطلبی مهم و مورد توجه است. زیرا عارفان بزرگ با این سیره ها غبار مادیت را کنار زده و دیده ی حق بین خویش را به عالم کشف و شهود و بواطن امور برگشودند. اینجاست که برشماری قدمهای بزرگ علمای عارف و صاحب کرامت و سیره ی آنان می تواند به عنوان انتقال آموزه های عرفانی و راههای

دستیابی به مدارج و معارف انسانی برای کسانی که در این عطش مقدس به سر می‌برند فصلی راهگشا و نقطه‌ی عطفی به شمار آید (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۳۹).

۱- خبری از آینده: مرحوم سید محمود لاری کرمانشاهی از قول سید عباس لاری می‌گوید که شیخ عبدالله مازندرانی با گاری به کاظمین می‌رفت و من هم می‌خواستم با او بروم، آخوند ملافتحعلی مرا فرمود که من رفتن شما را با ایشان صلاح نمی‌بینم و حرمت و قول او را حفظ کردم و چون به کاظمین رسیدم دیدم که حاج شیخ هنوز نیامده است و سرانجام بعد از یک هفته بیامد و معلوم شد که گاری وی در راه شکسته و از بغداد کسی را آوردند برای تعمیر گاری وی و این امر سبب تاخیر وی بوده است (نیکی ملکی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۷).

۲- برو مادر می‌شوی: آیت الله العظمی آقای بهجت فرمود: زن و مردی بچه دار نمی‌شدند به سامرا رفتند زن می‌خواست نزد آخوند ملافتحعلی برود تا ایشان دعا کند بچه دار شود شوهرش مخالف بود و بالاخره زن نزد آخوند رفت و اظهار داشت: دوازده سال است که بچه دار نشدیم شما عنایتی و دعایی بفرمایید ایشان فرمود: با وجود این دو امام بزرگوار (امام هادی (ع) و امام حسن عسگری (ع)) مناسب نیست من بخواهم شما از آن بزرگواران بخواهید زن دوباره گفت آخوند هم مثل قبل جواد داد. زن بار سوم خواست. آخوند گفت: برو مادر می‌شوی، زن رفت و مادر شد (نیکی ملکی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۹).

۳- نماز آخوند مرا نجات داد: نقل می‌کنند مرحوم آخوند در سامرا برای اموات، نماز لیلہ الدفن (نماز وحشت) خواند، یکی از بستگان میتی، او را در خواب می‌بیند، میت به او می‌گوید: نماز آخوند فتحعلی مرا نجات داد. وی از خواب بیدار می‌شود و سراغ آخوند را می‌گیرد و به خدمتش می‌رسد و عرض می‌کند شما برای فلان میت در فلان شب، نماز وحشت خوانده اید؟ ایشان می‌فرماید: بله، پرسید آیا ایشان را می‌شناسی؟ فرمود: شناختن لازم نیست. گفتن اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات، خدایا، مردان و زنان مومن را بیامرز، محض احسان به آن‌هاست (نیکی ملکی، ۱۳۸۶: ص ۲۹۰).

## رهنمودها و دس‌تورالعمل‌های حیات طیبه در سه بخندان لایت الله ملافتحعلی سلطان‌آبادی (ره)

آن مرد خودساخته در موارد مناسب از انسانهای گرفتار دستگیری و آنان را به سوی حق هدایت می‌کرد. وسوسه در دعای کمیل: در خاطرات آیت‌الله اراکی آمده است: «شیخ محمد حسن امرآبادی که از معاصرین حاج شیخ عبدالکریم بود، روزی به من گفت: من در هر شب جمعه دعای کمیل می‌خواندم یک شب به این جمله که رسیدم: هب لی صبرت علی حر نارک فکیف اصبر علی فراقک.

به خود گفتم: آیا واقعا من با خدا اینگونه هستم؟! من با خدا اینقدر ارتباط محکمی دارم که فراق خدا از آن آتش سوزان برای من سخت تر است؟ این وسوسه مرا بیچاره کرد، تا اینکه برای حل مشکل به محضر آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی رفتم و گفتم: آقا، این اندیشه به ذهنم خطور کرده و مرا از خواندن دعای کمیل باز می‌دارد و شدیداً در رنج و عذابم! جناب آخوند ناراحت شده و با کمال قاطعیت به من گفت: نه، نه، این کار را نکن! این خیال از شیطان بوده، خواسته ترا منصرف کند. مبادا خواندن دعای کمیل را ترک کنی! و شدت اوقاتش تلخ شد و گفت: بخوان! بخوان! تو با این خیالات چکار داری، دعایت را بخوان، هرکسی به اندازه خودش (استادی، ۱۳۸۷: ص ۳۵۱).

محدث بزرگوار شیخ عباس قمی از زبان آخوند سلطان‌آبادی دستورالعملی را نقل کرده که قابل توجه است. آن بزرگوار می‌نویسد: حاج ملافتحعلی سلطان‌آبادی نقل فرموده است که فاضل مقدس آخوند ملامحمد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و به هیچ وجه برای او گشایشی حاصل نمی‌شد. تا آنکه شبی در اثر توسلات مکرر در خواب دید که در یک بیابانی خیمه بزرگی با قبه‌ای ترتیب داده‌اند. پرسید: این خیمه کیست؟ گفتند: این خیمه حضرت قائم مهدی موعود (عج) است. به سرعت خود را به محضر آن بزرگوار رسانیده و مشکل خویش را با امام عصر (عج) در میان گذاشت. او از حضرت تقاضا کرد که دعائی برای گشایش زندگی و رفع غم و غصه‌اش به او بیاموزد. حضرت ولی عصر (عج) او را به خیمه سیدی راهنمائی کرد. ملا محمدصادق طبق دستور حضرت به آن خیمه رفت و متوجه شد که آن سید صاحب خیمه آقا سید محمد سلطان‌آبادی از علمای مورد اعتماد شیعه می‌باشد. آن

فاضل مقدس وارد خیمه شد و سید محمد را در روی سجاده و مشغول دعا و قرائت دید سلام کرده و داستان خود را به او بیان نموده و دعای گشایش در زندگی درخواست کرد. آقا سید محمد سلطان‌آبادی نیز برای حل مشکل وی و وسعت رزق و روزی برای او دعائی تعلیم داد. او از خواب بیدار شد و تمام دعا در خاطراتش نقش بسته بود. در حال بیداری اراده کرد که به خانه سید محمد برود و از او دیداری داشته باشد. البته قبل از این خواب او از سید محمد فاصله می‌گرفت و به عللی که معلوم نشد، از سید خوشش نمی‌آمد. او در منزل سید به حضورش رسیده و همان طوری که در خواب دیده بود، مشاهده کرد که آقا سید محمد در مصلاهی خویش روبه قبله نشسته و مشغول ذکر و استغفار است. سلام کرد و سید پاسخ سلام او را داد و تبسمی نمود: گویا از قضیه مطلع بود. آخوند ملا محمدصادق برای گشایش امر خویش دعائی خواست و سید همان دعائی را که در خواب به او آموخته بود، دوباره یادآور شد. آخوند آن دعا را فراگرفته و مشغول عمل شد و در مدت کوتاهی مشکلات زندگی اش برطرف شده و دنیا از هرسو به او روی آورد و از سختی زندگی و بدحالی و پریشانی نجات یافت.

مرحوم ملافتحعلی از آقا سید محمد سلطان‌آبادی که استادش نیز بوده است، همواره ستایش می‌کرد و از ملاقات هایش با او و بهره‌هایی که برده بود، می‌گفت. اما دستورالعملی که ملافتحعلی از استادش آموخته بود و ملا محمدصادق نیز با عمل به آن نجات یافت سه مرحله دارد:

اول: بعد از نماز صبح دست بر سینه بگذارد و هفتاد مرتبه یا فتاح بگوید.

دوم: مواظبت کند دعائی را که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مرد گرفتاری از یارانش که -مبتلاء به بیماری و پریشانی بود- آموخته بود و آن مرد از برکت این دعا در مدت کوتاهی از بیماری و پریشان حالی نجات یافته بود، آن حضرت به آن مرد آموخته بود که در هنگام سختی و پریشان حالی بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله توكلت على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبير. سوم: بعد از نمازهای صبح دعائی را که ابن فهد حلی از حضرت رضا (ع) نقل کرد، بخواند آن دعا با جمله بسم الله و صلی الله علی محمد و آله و افوض امری... آغاز می‌شود و با جمله... و هو رب العرش العظيم به پایان می‌رسد.

## شاگردان و اصحاب آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی

شخصیت‌های نامداری در مکتب تربیتی ملافتحعلی به مقامات عالیه رسیدند یا از رهنمودهای وی تاثیر پذیرفتند که فهرست نام برخی از آنان به قرار زیر است: حاج میرزا حسین نوری: صاحب مستدرک الوسائل، آقا بزرگ ساوجی، آقا نجفی شهید اصفهانی، سید ابراهیم خراسانی، شیخ ابراهیم صاحب الزمانی سردودی تبریز، سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی: صاحب منبرالوسيله، آقا سید احمد کربلائی طهرانی حائری معروف به بکاء واحدالعین، حاج شیخ احمد قدوسی نهاوندی، سید اسدالله بن سید محمدباقر موسوی قزوینی اصفهانی، سید اسماعیل بن سید صدرالدین عاملی اصفهانی، شیخ حسن کربلائی: صاحب رساله وقعه دخانیه، شیخ مولی حسنعلی طهرانی خراسانی: از علمای بزرگ و پیشتازان اهل سلوک در عصر خود، حاج میرزا حسین نائینی: صاحب تنبیه الملة و معروف به میرزای نائینی، حاج میرزا حسن خان بن حیدر قلی خان قاجار و حائری شیرازی، سید عبدالحسین شرف الدین عاملی: صاحب کتاب المراجعات و النص والاجتهاد، سید عباس لاری کرمانشاهی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی: مؤسس حوزه علمیه قم، حاج شیخ عبدالنبی نوری طهرانی، شیخ علی محمد نجف آبادی: حکیم گمنامی که به مقامات عالیه معنوی و علمی دست یافت، شهید حاج شیخ فضل الله نوری: ملافتحعلی شهادت آن رادمرد اندیشه و جهاد را نیز پیش بینی کرده بود، سید کمال الدین (میرزا آقا ابن محمدبن علی رضوی خراسانی) مشهور به دولت آبادی: اجازه نقل صحیفه سجادیه و دعاهاى ماثوره را از ملافتحعلی دریافته بود، سید محمد اصفهانی، میرزا محمدبن رجبعلی طهرانی عسکری: صاحب مستدرک بحار و پدر علامه مرتضی عسکری است، میرزا محمدتقی شیرازی حائری معروف به میرزای دوم، حاج سید محمدرضا یثربی پشت مشهدی کاشانی: همراه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در کربلا به نماز آخوند ملافتحعلی همواره حضور می‌یافت. وی پدر آیت‌الله سید مهدی یثربی کاشانی امام جمعه کاشان است، شیخ محمدرضا بن شیخ علی بن الحسین بن نقی نائینی، میرزا محمد بن الرضا خوانساری، سید شمس الدین محمود علی، سید الاطباء، مرعشی تبریزی نجفی، حاجی میرزا مهدی سلطان‌آبادی، حاج سید یحیی امامزاده قاسمی (صدوقی‌سها، ۱۳۵۹).

## سخنان شیخ محمد حسین لصفهانی (ره)، مرحوم شیخ فضل الله نوری و حضرت آیت الله بهجت (ره)

مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی (ره) به قافله ای که مرحوم آخوند ملا فتحعلی در آن بوده (به عنوان دعا و یا به عنوان تجلیل از مقام مرحوم آخوند) فرموده بود: به برکت وجود حاج آخوند ملا فتح علی در میان شما، در امان خدا هستید. مرحوم آخوند ملا فتحعلی خلاف متعارف بوده و مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی، صاحب تفسیر هم خلاف متعارف بوده است. باز هم ایشان می فرمودند: در قضیه ی تحریم تنباکو، علمای اصفهان نامه ای برای مرحوم میرزا نوشتند که مضمون آن این بود که مردم چندان از فتوای شما استقبال نکردند. حامل نامه، آقای حاج آقا منیر نزد آخوند ملا فتح علی سلطان آبادی (رحمه الله) می‌رسد، ایشان می فرماید: نامه ای با خود داری که در آن چنین و چنان نوشته شده است و تمام نامه را از اول تا آخر برای حامل نامه و در حالی که نامه در جیب او بود، می خواند. سپس حاج آقا منیر، حامل نامه از ایشان خواهش می کند که عملی به او یاد دهند. ایشان می فرماید: شما بحر مواج هستید. تا این که بعد از خواهش التماس می فرمایند: سه چیز را مواظبت کنید و خود ایشان هم به این سه امر مواظبت می کرده است:

۱. خواندن زیارت عاشورا در هر روز.

۲. خواندن نماز وحشت در هر شب برای مؤمنین و مؤمنات، در هر کجای عالم فوت کرده باشند.

۳. نماز اول ماه را ترک نکنید.

مرحوم شیخ فضل الله نوری می گوید: خوابی دیدم و برای تعبیر آن نزد مرحوم آخوند ملا فتح علی سلطان آبادی رفتم. همین که مقداری از خواب را برای ایشان نقل کردم، فرمود: خوب می دانم، بعدش هم این بود و این بود و تا آخر خواب را برای من نقل نمود و بعد تعبیر کرد. آخوند شخصیت عجیبی بوده است. وای بر ما اگر معنویت و روحانیت را مقدمه و وسیله ی رسیدن به مادیات و فانیات قرار دهیم. باز فرمودند: در صف نماز ملا فتح علی (رحمه الله) در مسیب سخن از ماست خوب به میان آمد، شیخ (رحمه الله) متوجه شدند و برگشتند و فرمودند: این تعقیب نماز بود؟ یعنی این قدر در فکر شکم؟ آقای بهجت فرموده اند: از مرحوم میرور عماد السلام و سناد العلماء الاصفیاء الاعلام آخوند حاجی ملا فتحعلی سلطان آبادی منقول است که فرمودند: در زمان ارتحال مرحوم آیت الله سید بحر العلوم (رض) نوحه جنب

جهت فقدان آن جناب از سرداب خانه او استماع شد؛ چنانکه یکی از اعظام علماء معاصرین ما از خود مرحوم حاج مذکور این حکایت را استماع فرموده. جناب شیخ ابراهیم صاحب الزمانی از شاگردان آخوند می گوید: روزی در سامرا آخوند ملافتحعلی را ملاقات کردم، نزدیک ظهر بود مرا به منزل دعوت کرد. هنگامیکه به طرف منزل می رفتیم، فرزندان ایشان به ایشان گفت نان در منزل نداریم. و در سامراء آن زمان نانوائی نبوده و جز ساعاتی از روز که از اطراف نانهای پخته برای فروش می آوردند در ساعات دیگر نان پیدا نمی شد. آخوند به فرزند خود می گوید: برو بیرون چند قدم این طرف و آن طرف برو بلکه پیدا شود. او همین کار را می کند و با تعدادی نان به منزل می آید و می گوید برخلاف عادت هر روز این نانها را کسی آورده بود و به من داد. می گویند: میرزا حسین نوری پولی داده بود تا شب پنجشنبه و جمعه صدنفر برای اطعام دعوت شوند (درسامراء). درحالیکه فرد صدنفر برای یک شب دعوت کرده بود. وقتی به حاجی نوری خبر دادند فرمودند سریعاً آخوند ملافتحعلی را خبر کنید. ایشان هم فرمودند: غذا را نکشید تا بیایم. وقتی آمد فرمود پارچه آب نخورده ای بیاورید. پارچه را روی غذا گذاشته سه بار دست می کشند و می گویند: ها! علی بشر کیف بشر. من ابی فقد کفر. یعنی علی(ع) بهترین بشر است و هرکس ولایتش را قبول نکند کافر است. غذا را کشیدند و به همه رسید. می گویند: دستش درد شدیدی داشت. به ضریح مولا علی(ع) کشید و خوب شد. می گویند: در سفر حج دملی در دست ملافتحعلی(ره) ایجاد شده بود. گفته بود: خدایا! من تاحالا چیزی از تو نخواستم. این دمل ممکن است برای بعضیها مزاحمت باشد خوبش کن. دمل خوب شد و بعد از حج دوباره برگشت. می گویند در سامرا شیخ و سیدی هم حجره ای بودند. شیخ به احترام سید می گوید من میخواهم کارهای تو را هم انجام دهم. بخاطر اینکار درهایی به رویش از معارف باز می شود. در مکاشفه ای خدمت حضرت حجت (عج) می رسد و سه تن از علما و اولیا را در محضر ایشان می بیند. یکی از آنها آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی(ره) بوده است. می گویند: (ظاهراً آیت الله سیدمحسن حکیم است) همراه میرزای شیرازی دوم، شیخ حسن کربلایی و محدث نوری سید اسماعیل صدر بود، صبح های جمعه به محضر ملافتحعلی سلطان‌آبادی می رفتیم. مرحوم ملافتحعلی برای ما در یک روز شرح آیه ای را گفت (سوره حجرات آیه ۷) و بحثش متمرکز بر این قسمت بود «و حَبَّ الْيَمَانِ» آن روز به حدی

این قسمت از آیه را جالب تفسیر کرد که ما با خود گفتیم حد همین است سخندانی و زیبایی را. جلسه ی بعد که به محضرش رفتیم دوباره همان قسمت از آیه را برایمان تفسیر کرد و به حدی زیبا تفسیر فرمود که ما با خود گفتیم تفسیر واقعی آیه، تفسیر امروز بود، نه جلسه ی قبل. جلسه ی بعد که رفتیم باز همان فقره را شرح دادند و ما یقین کردیم که اصلاً منظور خدا از آیه، همین شرح ملافتحعلی است و لا غیر. و تفسیر های روزهای قبل مراد نبوده. جلسه ی بعد رفتیم و باز برداشت و تفسیر جدیدی کردند و این قضیه تا نزدیک یک ماه طول کشید و ما هر روز فکر می کردیم تفسیر واقعی آیه همین تفسیر امروزی است و تفاسیر روزهای قبل مقصود نیست ( نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۴۷۸).

علامه طهرانی (ره) در کتاب مهرتابان که پرسش و پاسخش با علامه طباطبایی (ره) آورده است: مرحوم آخوند ملاً فتحعلی سلطان آبادی با تمام ریاضات و مکاشفات و مقاماتی که از ایشان نقل می شود، گویا در مراحل و منازل توحید ذات حق متعال نبوده اند. علامه طباطبایی در این زمینه می فرماید: مثل اینکه ایشان در مسائل مجاهدت های نفسانی بوده، و در رشته توحید نبوده اند. و چون با مرحوم آخوند ملاً حسینقلی همدانی، هم عصر و هم زمان بوده، و مرحوم آخوند در رشته توحید حق تبارک و تعالی بی نظیر بوده اند لذا با هم مناسباتی و مراوداتی نداشته اند و قدری هم روابط آنها تیره بود.

آیت الله بهجت از آیت الله طباطبائی نقل کردند که «آیت الله نائینی می گفت: بنده در مراقبه، هیچ کس را همتای سید بن طاووس و ملا فتح علی سلطان آبادی ندیدم. « سید بن طاووس ( رحمه الله ) که لابد از دست نوشته های ایشان به دست آورده بود؛ و دیگری آخوند ملا فتحعلی ( رحمه الله ) که ایشان را درک کرده بودند. باز هم ایشان می فرمودند: آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی (ره) از کسانی بود که در طول عمر معصیت نکرده بودند. از حضرت آخوند (ره) مطالب و کرامات زیادی وجود دارد که به ذکر همین ها اکتفا می شود.

### بیان حاج میرزا حسین نوری در باره آخوند ملافتحعلی

او از هر رفتار خوب بهترین آن را و از هر فضیلتی روشن ترین، از هر خصلتی شریف ترین و در هر خیری عالی ترین و از هر علمی جوهره و خالص و حقیقت آن را در وجودش جمع کرده بود.



من سالها در سفر و حضر، شب و روز، در سختی و راحتی با او همراه شدم، اما ذره‌ای لغزش و خطا در وجودش احساس نکردم. او نمونه کاملی از یک پارسای خداجوی بود که امیرمؤمنان علی (ع) صفات آنان را بر همام بن عبادۀ در توصیف یک شیعه کامل شمرده است و من برای آن بزرگمرد در این عرصه شریک و نظیری نیافتیم و گمان نمی‌کنم کسی در توصیف صفات والای او گرچه با همکاری دیگران از عهده برآید. شناخت او از قرآن چه زیبا بود. دقائق آیات و نکات اخبار را آنچنان بیان می‌کرد که عقل‌ها را از کیفیت استخراج آن جواهرات از گنجینه معارف قرآن به حیرت و شگفتی وا می‌داشت. هرگز از این استاد بزرگوام مطلبی را در مورد تفسیر قرآن و روایات اهل بیت (ع) جويا نشدم مگر اینکه با دریائی از اشارات، رمزها، وجوه و احتمالات متعددی در بیان باطن آیات و تأویل کلام وحی و معارف عترت روبرو می‌شدم. با همه این‌ها او تظاهر به علم و دانش نمی‌کرد و همواره بر کتمان مقام علمی خویش اصرار داشت. در مقام عمل او دائم الذکر بود و بیشتر سکوت می‌کرد و به تفکر می‌پرداخت. به ساده‌ترین زندگی قانع بود و به پائین‌ترین سطح در خوراک و پوشاک اکتفاء می‌نمود. این درحالی بود که شرائط زندگی بهتر برایش کاملاً فراهم بود. شکرگزاری در عالی‌ترین مرتبه و صبر و شکیبائی در زیباترین شکلی در شخصیت اش جلوه می‌کرد. از کسی به بدی یاد نمی‌کرد و به جز خوبی در مورد آنان لب به سخن نمی‌گشود. این شخصیت والا نشانه‌ای از وجود مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام بود که روش عملش سیره آن گرامیان را به یاد می‌آورد. (قمی، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۴۴).

### حکایت آیت الله العظمی اراکی

عالمان دین و مردان عرصه عمل تلاش می‌کنند رفتار و گفتارشان موجب رضایت حضرت ولی عصر (عج) شود و امید دارند کارهایی که برای پیشرفت جامعه انجام می‌دهند، مورد عنایت حضرت باشد نشانه‌هایی در دست است که مرحوم ملافتحعلی مورد توجه امام زمان (عج) بود. آیت الله اراکی در خاطرات خود می‌گوید: "شیخ ابراهیم مازندرانی که خود از توفیق یافتگان به مراحل عالی عرفان و معنویت است، در یکی از مراحل کشف و شهود این معنی را به وضوح دریافته است. او می‌گوید: در عالم مکاشفه، مجلسی را مشاهده کردم که در آن بزرگانی همانند میرزای شیرازی، حاجی نوری و جناب آخوند ملافتحعلی در حضور حضرت حجت (علیه السلام) نشستند و این جلسه در بالاخانه میرزای شیرازی بود امام به همه این بزرگمردان عنایت داشت، اما در میان این سه نفر به حاجی نوری بیش از آن دو بزرگوام توجه و عنایت داشت و تعظیم او نیز از آن حضرت بیش از دیگران بود." (استادی، ۱۳۸۷: ص ۵۴۹).

## آگاهی به معانی و تفسیر قرآن

سلطان آبادی در تفسیر قرآن تبحر خاصی داشت. گاهی برای برخی آیات معانی متعددی بیان می‌کرد که علمای ممتاز آن را تفسیر تازه می‌دانستند. آیت الله سید محسن حکیمی نویسد: "یکی از بزرگان می‌گوید: (صدوقی‌سها، ۱۳۵۹: ص ۲۵۲). روزی به منزل آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی رفته بودم. آن روز علمای بزرگی همچون سید اسماعیل صدر، حاجی نوری صاحب مستدرک، سید حسن صدر نیز با من همراه بودند. آخوند آیه (واعلموا ان فیکم رسول الله لویطیعکم فی کثیر من الامر لعنتم ولكن الله حبب الیکم الایمان...) را تلاوت کرده و آنگاه به شرح و تفسیر آن پرداخت. حاضرین گفتند قبل از توضیحات شما ما این معنی را درک نکرده بودیم. آنان روز دوم نیز در جلسه قرآن آخوند حضور یافتند و ایشان تفسیر تازه‌ای برای آنان بیان کرد. بزرگان حاضر باز هم از اینکه چنین تفسیری را تا بحال نشنیده‌اند، تعجب کرده و شگفت زده شدند. روز سوم نیز به مجلس تفسیر آخوند آمدند و سخن تازه‌ای در تفسیر آیه استماع کردند. تا سی روز می‌آمدند و معنای جدیدی برای آیه یاد می‌گرفتند که قبلاً نمی‌دانستند. " (حکیم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۹۵).

## شیخ عبدالکریم حائری یزدی

ملافتحعلی چنان جایگاهی نزد بزرگان داشت که مراجع بلند آوازه نهایت تکریم را از وی به عمل می‌آوردند. آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی می‌گوید: به هنگام جوانی روزی در جلسه‌ای با حضور عده‌ای از علما که در میان آنان آقا میرزا محمدتقی شیرازی و آقا شیخ فضل الله نوری نیز دیده می‌شد، نشسته بودیم. در آن هنگام پیرمردی ژولیده، لاغر اندام که دستمال مانندی به سر بسته و عبائی وصله دار بر دوش گرفته بود، در نهایت سادگی به آن جلسه داخل شد. میرزا محمدتقی شیرازی فوراً بلند شده و با احترام تمام آن پیرمرد را به حضور جمع آورده و نزد خویش بنشاند. او با اشاره به آقا شیخ فضل الله، از میرزا پرسید: ایشان کیست؟ میرزا گفت: ایشان آقا شیخ فضل الله نوری است و او را کاملاً معرفی کرد. پیرمرد روشن ضمیر گفت: چند سال بعد شیخ فضل الله نامی را در تهران بر دار می‌کشند، او تو نباشی؟ سپس نام مرا از میرزا پرسید: میرزا گفت: او آقا شیخ عبدالکریم یزدی است و از فضلا است. مسئله‌ای از من پرسید و من چون پاسخ آن را خیلی واضح و پیش پا افتاده می‌دانستم، نگفتم و سکوت کردم. میرزای شیرازی دوم بر من خشم گرفت و شدیداً ناراحت شد و خودش پاسخ مسئله را گفت و اضافه کرد که علما در

این باب این طور می‌گویند. وقتی بیان میرزا تمام شد، آن مرد ساده پوش خود به صورت دیگر پاسخ را تقریر کرد و میرزا گفته‌های او را نوشت و به او نشان داده و پرسید: آیا همین گونه فرمودید؟ و او گفت: بلی. آنگاه به من رو کرد و گفت: چندی بعد پرچم اسلام در قم بر دوش شیخ عبدالکریم نامی به احتزاز در می‌آید، او تو نباشی؟ آنگاه برخاست و میرزا محمدتقی شیرازی دوم کفش پیش پای او نهاد و او را بدرقه کرد و چون بازگشت، بر من عصبانی شد که چرا به او بی‌اعتنایی کردم و توضیح داد که او آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی است (صدوقی‌سها، ۱۳۵۹: ص ۲۴۹).

بعد از این واقعه شیخ عبدالکریم حائری و حاضران جلسه از مریدان آخوند شدند. آخوند سلطان‌آبادی در حوزه سامرا و میان تمام اصحاب و شاگردان میرزای شیرازی مورد توجه استاد بود و میرزای شیرازی در نماز به وی اقتدا و مردم را به نماز با آخوند تشویق می‌کرد (امین عاملی، ۱۴۲۱ ق: ج ۸، ص ۳۹۲).

## تعظیم قرآن

ایشان که بصیرت باطنی داشت، به مناسبت به کسانی که در جلسه قرآن شرکت می‌کردند، تذکراتی می‌داد. آقا سید محمد مهدی فرزند سید اسماعیل صدر اصفهانی از شاگردان ممتاز آخوند می‌گوید: «من در دوران نوجوانی طبق سفارش پدرم روزهای جمعه به حضور آخوند ملافتحعلی می‌رفتم و آن بزرگوار از کتاب خدا آیه‌ای را تلاوت کرده و تفسیر و شرح آن را برایم بازگو می‌کرد. روزی به ناچار در حال جنابت به حضورش رفتم. دیدم که استاد متفکرانه نشسته و هیچ لب باز نمی‌کند. نیم ساعتی منتظر شدم و او هنوز هیچ سخن نگفته بود تا اینکه بلند شدم که برگردم. در آن حال استاد فرمود: آقا سید محمد مهدی! آدمی هنگامی که به مجلس قرآن می‌رود، باید که خود را پاک گرداند» (صدوقی‌سها، ۱۳۵۹: ص ۲۴۸).

## رهنمودهای نورانی

آن مرد خودساخته در موارد مناسب از انسانهای گرفتار دستگیری و آنان را به سوی حق هدایت می‌کرد. وسوسه در دعای کمیل: در خاطرات آیت الله اراکی آمده است: شیخ محمد حسن امرآبادی که از معاصرین حاج شیخ عبدالکریم بود، روزی به من گفت: من در هر شب جمعه

دعای کمیل می خواندم یک شب به این جمله که رسیدم: هَبْ لِي صَبْرَتُ عَلِيٍّ حَرَّ نَارِكِ فَكَيْفَ اصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكِ.

به خود گفتم: آیا واقعاً من با خدا اینگونه هستم؟ من با خدا اینقدر ارتباط محکمی دارم که فراق خدا از آن آتش سوزان برای من سخت تر است؟ این وسوسه مرا بیچاره کرد، تا اینکه برای حل مشکل به محضر آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی رفتم و گفتم: آقا، این اندیشه به ذهنم خطور کرده و مرا از خواندن دعای کمیل باز می دارد و شدیداً در رنج و عذابم! جناب آخوند ناراحت شده و با کمال قاطعیت به من گفت: نه، نه، این کار را نکن! این خیال از شیطان بوده، خواسته ترا منصرف کند. مبادا خواندن دعای کمیل را ترک کنی و بشدت اوقاتش تلخ شد و گفت: «بخوان! بخوان! تو با این خیالات چکار داری، دعایت را بخوان، هرکسی به اندازه خودش» (استادی، ۱۳۸۷: ص ۳۵۱).

### شیخ عباس قمی و دستورالعمل نجات بخش

محدث بزرگوار شیخ عباس قمی از زبان آخوند سلطان آبادی دستورالعملی را نقل کرده که قابل توجه است. آن بزرگوار می نویسد: حاج ملافتحعلی سلطان آبادی نقل فرموده است که فاضل مقدس آخوند ملامحمد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و به هیچ وجه برای او گشایشی حاصل نمی شد. تا آنکه شبی در اثر توسلات مکرر در خواب دید که در یک بیابانی خیمه بزرگی با قبه ای ترتیب داده اند. پرسید: این خیمه کیست؟ گفتند: این خیمه حضرت قائم مهدی موعود(عج) است. به سرعت خود را به محضر آن بزرگوار رسانیده و مشکل خویش را با امام عصر(عج) در میان گذاشت. او آن حضرت تقاضا کرد که دعائی برای گشایش زندگی و رفع غم و غصه اش به او بیاموزد. حضرت ولی عصر(عج) او را به خیمه سیدی راهنمائی کرد. ملا محمدصادق طبق دستور حضرت به آن خیمه رفت و متوجه شد که آن سید صاحب خیمه آقا سید محمد سلطان آبادی از علمای مورد اعتماد شیعه می باشد. آن فاضل مقدس وارد خیمه شد و سید محمد را در روی سجاده و مشغول دعا و قرائت دید سلام کرده و داستان خود را به او بیان نموده و دعای گشایش در زندگی درخواست کرد. آقا سید محمد سلطان آبادی نیز برای حل مشکل وی و وسعت رزق و روزی برای او دعائی تعلیم داد.

او از خواب بیدار شد و تمام دعا در خاطراتش نقش بسته بود. در حال بیداری اراده کرد که به خانه سید محمد برود و از او دیداری داشته باشد. البته قبل از این خواب او از سید محمد فاصله می‌گرفت و به عللی که معلوم نبود، از سید خوشش نمی‌آمد. او در منزل سید به حضورش رسیده و همان طوری که در خواب دیده بود، مشاهده کرد که آقا سید محمد در مصالای خویش روبه قبله نشسته و مشغول ذکر و استغفار است. سلام کرد و سید پاسخ سلام او را داد و تبسمی نمود: گویا از قضیه مطلع بود. آخوند ملا محمدصادق برای گشایش امر خویش دعائی خواست و سید همان دعائی را که در خواب به او آموخته بود، دوباره یادآور شد. آخوند آن دعا را فراگرفته و مشغول عمل شد و در مدت کوتاهی مشکلات زندگی اش برطرف شده و دنیا از هرسو به او روی آورد و از سختی زندگی و بدحالی و پریشانی نجات یافت. (عراقی میثمی، ۱۳۵۲: ج ۲، ص ۲۵۸).

مرحوم ملافتحعلی از آقا سید محمد سلطان‌آبادی که استادش نیز بوده است، همواره ستایش می‌کرد و از ملاقات هایش با او و بهره‌هایی که برده بود، می‌گفت. اما دستورالعملی که ملافتحعلی از استادش آموخته بود و ملا محمدصادق نیز با عمل به آن نجات یافت سه مرحله دارد:

اول: بعد از نماز صبح دست بر سینه بگذارد و هفتاد مرتبه یا فتاح بگوید.

دوم: مواظبت کند دعائی را که حضرت رسول(ص) به مرد گرفتاری از یارانش که مبتلاء به بیماری و پریشانی بود- آموخته بود و آن مرد از برکت این دعا در مدت کوتاهی از بیماری و پریشان حالی نجات یافته بود، آن حضرت به آن مرد آموخته بود که در هنگام سختی و پریشان حالی بگوید: لاحول و لا قوه الا بالله توکلت علی الحی الذی لایموت والحمدالله الذی لم یتخذ ولداً ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الدل و کبره تکبیر.

سوم: بعد از نمازهای صبح دعائی را که ابن فهد حلی از حضرت رضا(ع) نقل کرد، بخواند آن دعا با جمله بسم الله و صلی الله علی محمد و آله و افوض امری... آغاز می‌شود و با جمله.. و هو رب العرش العظیم به پایان می‌رسد.

حاج شیخ عباس قمی در فواید الرضویه، باب الفاء، قبل از اسامی علمایی که نام نامی آنان با فاء شروع می‌شود نامی از ملافتحعلی سلطان‌آبادی برده و او را با این عبارت ستایش کرده

است: " شیخ جلیل، مفسر بی بدیل، عالم ربانی، ابوذر ثانی، مجمع تقوا و ورع و ایقان، مخزن اخبار و تفسیر آیات قرآن، صاحب کرامات باهر - حشره الله مع العتره الطاهره - شیخ محقق و محدث ما، ملافتحعلی سلطان‌آبادی است که جلالت شان و رفعت و مقامش، زیاده از آن است تا ذکر شود. شیخ مرحوم اعتقاد به او داشت و در کتب خود، مدح و ثنای او بسیار می فرمود. ( نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۹).

### میرزای شیرازی و مواظب ملافتحعلی سلطان‌آبادی

سید محمدحسن حسینی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ق) مشهور به میرزای شیرازی، میرزای بزرگ و میرزای مجدد، از مشهورترین مراجع تقلید شیعه در قرن چهاردهم و صادرکننده فتوای تحریم تنباکو.

سیدمحمد حسن حسینی(۱۲۳۰-۱۳۱۲ق) مشهور به میرزای شیرازی، میرزای بزرگ و میرزای مجدد، از مشهورترین مراجع تقلید شیعه در قرن چهاردهم و صادرکننده فتوای تحریم تنباکو. برخی او را احیاگر قدرت فتوا دانسته‌اند. میرزای شیرازی در ۸۲ سالگی در سامرا درگذشت و در حرم امیرالمؤمنین علی (ع) در نجف دفن شد. پس از وفات شیخ انصاری در ۱۲۸۱ق، عموم شاگردانش میرزای شیرازی را به ریاست و زعامت برگزیدند و وی پایان عمر شریفشان به مدت ۳۰ سال مرجعیت مطلق داشت. اعتمادالسلطنه در شرح حال میرزای شیرازی (مربوط به سال ۱۳۰۶ ق) می‌نویسد: امروز در نظر اهل نظر، اعلم مجتهدین است. کافه[همه] مقلدین شیعه، فتاوی وی را مناط[ملاک] صحت عمل [ درست بودن اعمال] قرار داده اند. باریکی نظر و نازکی فکر او را در فقاہت می‌گویند کسی از معاصرین ندارد به حسن خلق و مجاهدت نفس، ضرب المثل می‌باشد.

میرزای شیرازی (ره) با وجود آنکه در کنار ریاست و مرجعیت عامه، از موقعیت ممتاز دینی، علمی و اخلاقی نیز برخوردار بودند با این همه، هرگز خود را بی نیاز از وعظ و ارشاد نمی دانست. در همین زمینه آیت الله شبیری زنجانی نقل می کنند: آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی یکی از چهار صاحب کرامت در دوره میرزای شیرازی و بعد از میرزا بود. شنیدم وقتی مرجعیت میرزا فراگیر شد و کارهای وی سنگین گردید، میرزا کارها را تقسیم کرد مثلاً تدریس را به

آسید محمد فشارکی واگذار کرد. شاگردهای آخر میرزا مثل آقای نایینی و آقای حاج شیخ عبدالکریم، غالب تجارب علمی خود را از آسید محمد فشارکی کسب کردند.

یکی از اموری که میرزا بر عهده دیگران گذاشت، امام جماعت بود که به آخوند ملافتحعلی واگذار کرد. آخوند ملافتحعلی از اصحاب میرزا به شمار می‌رفت. از آقای اخوان مرعشی شنیدم: موقعی که مرجعیت میرزای شیرازی عظمت پیدا کرد و تقریباً منحصر به فرد شد، در جلسه‌ای که سلام و صلوات خیلی زیاد بود، بعد از رفتن افراد، آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی [که اهل کرامت و معنویت بود] می‌آمد و میرزا را موعظه می‌کرد تا سمّ دنیوی این سلام و صلواتها گرفته شود.

### آخوند ملافتحعلی، قطب دایره‌ی رموز قرآنی

روح سرگشته او با معانی زنده قرآن، پیوندی عمیق داشت. اشراقات قرآنی ربانی و اشارات سبحانی، قلب او را گنجینه‌ی تفسیر و فهم دقایق بدیع قرآن ساخته بود. مرحوم آیت الله العظمی حکیم فرموده است: بعضی از بزرگان مانند آیت الله نائینی رحمت الله علیه برای ما نقل کردند: (حکیم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۹۵). با عده‌ای از شخصیت‌های علمی از جمله مرحوم سید اسماعیل که خود از مراجع بوده است، مرحوم حاج میرزا حسین نوری صاحب المستدرک، استاد محدث قمی و مرحوم حاج سید حسن صدر، از برجستگان علمای اسلام، به منزل آخوند ملافتحعلی مرحوم رفتیم. آخوند تفسیر بحث می‌کرد و در تفسیر این آیه بود: و اعلموا ان فیکم رسول الله لو یطیعکم من کثیر من الامر لعنتم و لکن الله حبیب الایمان (سوره حجرات، آیه ۴۹).

آنگاه شروع به تفسیر حبیب الایمان؛ خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده است، نمود. وقتی آخوند ملافتحعلی علت آیه را تفسیر کرد، همه آن افراد با همه اجتهاد خود شگفت زده شدند که چه طور تا به حال ما متوجه این معنی نشده بودیم. روز دوم معنی دیگر گفت که باز همه تعجب کرده بودند که ما چرا منتقل به این معنی نشدیم با آنکه خیلی واضح بوده است. روز سوم معنی دیگری ایراد فرمود و تا یک ماه این بزرگواران در درس ایشان حاضر می‌شدند و هر روز برای آیه معنی تازه تری می‌شنیدند. آیت الله فرمودند: برای این بزرگوار (ملافتحعلی) کرامات زیادی است. (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۵۳).

## مدح نجوم السماء از قول علامه نوری

در کتاب علمای معاصرین تالیف آقای حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی از علامه نوری مدایحی راجع به ملافتحعلی بدین شرح آمده است: وکم له دام ظلّه امثال ذالک من اللطاف الخفیه و النعم الجلیه؛ چقدر امثال این کرامات از الطاف خفیه و نعم جلیه از برای اوست. و کیف لایکون کذالک و قد جمع من کل مکرمه اعلاها و من کل فضیله اسناها و من کل حصله اشرفها و من کل خیر ذروته و من کل علم شریف جوهره و حقیقه؛ و چطور چنین نباشد، حال آنکه جمع کرده از هر مکرمتی، اعلاى آن را و از هر فضیلتی، ارفعش را و از هر خصلتی، اشرفش را و از هر خیری، پایه ی بلندش را و از هر علم شریفی، جوهر و حقیقتش را (تبریزی، ۱۳۸۳ش).

سالها با وی در سفر و حضر، روز و شب و شدت و رخا، مصاحبت و معاشرت نمودم. ذلتی در مکروهی و لغزشی در مرجوحی از او ندیدم و در یک خصلت از آن خصال کریمه، که حضرت امیر (ع) برای همام بن عباده در صفت شیعه ی خود فرموده، شریکی و نظیری بر وی نیافتم و گمان نمی کنم احدی را که ممکن است از استقصاء معالی صفاتش باشد اگر چه ناصری و ظهیری از برای خود هم پیدا کند. اما عملش، احسن و فن وی، معرفت دقایق آیات و نکات اخبار بود که عقول از کیفیت استخراج این جواهر از آن، متحیر و چشم ها از ادراک اشارت و رموز آن خیره می باشد. آیه و خبری از وی نپرسیدند مگر آنکه وجوه و احتمالات و بواطن و تاویلات را به تمامی ذکر می فرمود که عقول از وی متعجب و افکار فحول به اطراف آن لطایف نمی رسد. گویی برهه یی از زمان در آن تفکر نموده و الان از تامل و نظر فارغ شده است. همه اینها به طوری که مخالف ظواهر و نصوص و مختلط به مزخرفات لصوص دین نباشد، بود. با وجود اینکه خودش اصرار به کتمان آنها داشت و از اظهارش دریغ می نمود، اما عملش، پس آن بزرگوار دایم الذکر، طویل الصمت و الفکر، قانع به کمترین ماکل و ملیس، با رعایت شرایط مآخذ آنها و مواظب سنن و آداب شرعیه و مدعی حقوق اخوان دینی بود. خلاصه، وجود او آیتی است از آیات وجود ائمه ی اطهار (ع)، که ایشانند آیت کبرا و عمل و طریقه ی آن بزرگوار نیز مدعی امامت ایشان است (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۱۹۳).



## برکت وجودی حضرت ملافتحعلی از منظر آیت الله آخوند ملا علی همدانی

مرحوم آیت الله آخوند ملاعلی همدانی از برکت وجودی مرحوم ملافتحعلی چنین می گوید: به یک واسطه از آیه الله خویی شنیدم که خادم مرحوم حاجی نوری نقل کرد برای او - ضمناً آیت الله خویی خادم خود را توثیق می کرده است - حاجی نوری موقوفه‌ی در اختیارشان بوده که از درآمد آن، هرسال ماه رمضان عده‌ی از اهل علم و طلاب را اطعام می نمود. در ماه رضائی فرمود: "شصت نفر از آقایان را سه شب به افطار دعوت کن! خادم می گوید: من خیال کردم برای هر شب شصت نفر دعوت کنم. بعد از نماز، حاجی نوری می بیند جمعیت از بیست نفر تجاوز کرد. خادم را صدا می زند و سوال می کند که چند نفر دعوت نموده‌ای؟ خادم جواب می دهد: شصت نفر! حاجی نوری می فرماید: من برای سه شب گفته بودم شصت نفر یعنی هر شب بیست نفر در نظرم بود.

خادم گفت: حاجی فرمود: برو پیش حاجی ملافتحعلی و قضیه را نقل کن، من رفتم و ایشان را خبر کردم. او عبا به دوش انداخت و مستقیماً به آشپزخانه رفت. ظرف‌ها را برداشت و چیزی خواند که من ندانستم چه بود و بعد از خواندن، تشریف بردند. ما شام را دادیم. کاملاً شامی که برای بیست نفر تهیه شده بود، برای شصت نفر کفایت نمود.

## استناد آیت الله العظمی اراکی به کرامت آخوند در باب اثبات علم غیب امام (ع)

چند سال قبل از پیروزی انقلاب، کتابی به نام شهید جاوید در قم چاپ شد که علم غیب را از سیدالشهدا (ع) نفی کرده بود. با اینکه آیات و روایات بسیاری در باب اثبات علم غیب امام (ع) وجود دارد که از آن آیات می توان به آیه‌ی شریفه: و کل شی احصیناه فی امام مبین " اشاره کرد و از روایات، به روایت امام صادق (ع) که فرمود: خداوند علوم ظاهر و باطن را به ما کرامت فرموده است. و در روایت دیگری فرمود: خداوند ستونی از نور برای ما قرار داده که اعمال همه را از طریق آن می بینم و ده‌ها روایت دیگر ... (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۱۴).

یکی از علما این مطلب را به آیت الله العظمی اراکی گفته بود. ایشان در خطبه‌ی نماز جمعه در مسجد امام حسن عسگری (ع) به این مناسبت فرمودند: مرحوم شیخ فضل الله نوری

خواب مفصلی می بیند، خواب خود را برای آخوند ملافتحعلی نقل می کند که او تعبیر نماید. نصف خواب را که نقل می کند، مرحوم آخوند نصف دیگرش را می گوید. به طوری که باعث تعجب مرحوم نوری می گردد که چگونه مرحوم آخوند از رویایی که برای احدی نقل نکرده، آگاه است. ملافتحعلی طوری توصیف می کند که گویا خود او این خواب را دیده است. (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۱۴).

آنگاه ادامه دادند: این حال کسانی است که خود را خاک کف پای ائمه اطهار (ع) می دانند و به این مقامات نایل شده اند. پس چگونه است حال خود امامان (ع) ! سپس با اشاره به مولف آن کتاب فرمودند: کسی که منکر علم امام شود، امام را نشناخته است.

آیت الله العظمی اراکی (ره) این داستان را نقل کردند. آیت الله بهجت - رحمت الله علیه - نیز نقل نموده اند شیخ ابراهیم صاحب الزمانی می گوید: روزی در سامرا، آخوند ملافتحعلی را ملاقات کردم. نزدیک ظهر بود، مرا به منزل دعوت کرد. وقتی وارد شدیم، فرزندش گفت: نان نداریم. ساعت هم ساعتی بود که نانواپیهای سامرا بسته بود و نان پیدا نمی شد. آخوند به فرزند خود گفت: برو بیرون چند قدم این طرف و آن طرف، بلکه پیدا شود. فرزندش همین کار را می کند و با تعدادی نان به منزل می آید و می گوید: بر خلاف عادت هر روز، این نان ها را کسی آورد و به من داد. (استادی، ۱۳۷۵).

## خبر و اطلاع از آینده ی آیت الله شه بیخ فضل الله نوری و حاج شه بیخ عبدالکریم

### حائری

شیخ عبدالکریم حائری موسس حوزه قم می فرمود: در کربلای معلی در مجلسی که میرزای کوچک و بعضی علما و شیخ فضل الله نوری بوده ناگهان مردی ژولیده از راه رسید که به جای عمامه، دستمال مانندی بر سر پیچیده بود و قبائی کهنه و عبائی وصله خورده بر سر و دوش داشت و هم پارچه‌یی به جای شال گردن بر گردن آویخته بود. کفشی پوشیده بود که از پارگی قیامتی بود و تخت نداشت. با رسیدن این مرد تازه رسیده، میرزا از جای جست و به تازه وارد آن چنانی احترام گذاشت و تواضع کرد (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۰۰-۲۰۱). آن مرد نشست و با اشاره به حاج شیخ فضل الله، از میرزا پرسید: آقا کیست؟ میرزا فرمود: ایشان آقای حاج شیخ فضل الله نوری از علماءاند. تازه وارد، خطاب به شیخ فضل الله نوری گفت: حاج شیخ فضل الله

نوری نامی را در تهران بر دار می‌زنند. نکنند تو باشی؟ آن مرد، آن گاه به من اشاره کرد و از میرزا پرسید: این کیست؟ میرزا فرمود: ایشان آقا شیخ عبد‌الکریم یزدی است. مادرش در اندرون ما به کارهای خانه کمک می‌کند و خودش نیز شروع به درس خواندن کرد و اکنون طلبه فاضلی است، آدم خوبی هم است. تازه وارد، از من مسأله‌ایی پرسید. من از فرط سادگی سؤال، جوابی ندادم و اعتنائی نکردم. زیرا با خود گمان می‌کردم که این شخص فال‌گیر و کف بین است و حالا می‌خواهد با این پرسش، علمیت مرا هم آزمایش کند. نگاهی به او کردم، نگه کردن عاقل اندر سفیه و لب فرو بستم. اما میرزا به خشم در من نگریست و خود بلا فاصله در پاسخ پرسش آن مرد عجیب و غریب فرمود: علماء چنین می‌گویند... [جواب مسأله را داد] - آن مرد گفت: نه! این طور است... [و شروع به صحبت کرد] میرزا، تقریر او را نوشت و بعد نوشته خود را به او نشان داد و پرسید: این طور فرمودید؟ مرد نگریست و گفت: آری. آنگاه آن ناشناخته مرد دوباره متوجه من شد و خطاب به من گفت: بیرق ریاست تشیع را در قم بر دوش حاج شیخ عبد‌الکریم یزدی نامی، می‌گذراند، نکنند تو باشی؟! اهل مجلس همه به گونه‌یی ابهام‌آمیز در من نگریستند. آن زمان، آن مرد ژولیده از جای برخاست و عازم رفتن شد. میرزا، متواضعانه کفشهای آن چنانی این مرد ناشناخته را جفت کرد. او را به تمام و کمال بدرقه فرموده برگشت. آنگاه با من بسیار تغییر کرد و از سوء ادب من بسیار بر آشفته شده بود. آن وقت من پرسیدم: - مگر ایشان که بودند؟ میرزا فرمودند: آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی ( صدوقی‌سه‌ها، ۱۳۵۹:ص ۲۴۹).

## حجت الاسلام شریعتی واعظ و اطلاع ملافتحعلی از امر نهایی و سه‌سه‌فارش

### مهم

حجت الاسلام آقای شریعتی واعظ، روزی در مسجد حاج تقی خان در ماه مبارک رمضان ضمن برشمردن مفاخر و استوانه‌های علمی و تقوایی اراک، بحث را به شمردن اوصاف معنوی آخوند ملافتحعلی کشاند و ضمن آن حکایت کرد: آن هنگام که میرزای شیرازی در اوج مرجعیت قرار داشت و مسئله‌ی تحریم تنباکو مطرح بود، روزی یکی از علمای اصفهان به نام آقا منیرالدین بروجردی، نامه‌یی به میرزای شیرازی می‌نویسد. نامه توسط یکی از طلاب به سامرا به خدمت میرزا فرستاده می‌شود. وقتی حامل نامه بر میرزای شیرازی وارد می‌گردد

مشاهده می‌کند عده‌ای از علما پیرامون آن حضرت نشستند از جمله‌ی آنان آخوند ملافتحعلی بوده، قبل از اینکه آن فرد طلبه که حامل نامه بوده نامه را تحویل مرحوم میرزا دهد، ملافتحعلی به او می‌فرماید: شما از اصفهان می‌آیید و نامه‌ی از آقا منیرالدین بروجردی برای میرزا دارید که مضمون آن، چنین و چنان است (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۴۸). حامل نامه مات و متحیر می‌ماند که ملافتحعلی چگونه دیده‌ی باطنش تا این اندازه چشم‌انداز دارد و از امر نهانی خبر می‌دهد، در حالی‌که از شگفتی از ایشان می‌پرسد: شما به چه واسطه به این مقام نایل آمده‌اید؟

ملافتحعلی به منظور اینکه پندی به او داده باشد، می‌فرماید: شما را نصیحت می‌کنم که برای جلای قلب و دیده‌ی دل خویش به این سه عمل پایبند باشید که من این حالات را از برکت این سه عمل دارم: ۱- نماز اول ماه، ۲- نماز لیلۀ الدفن، اعم از اینکه آن متوفی را بشناسید یا خیر، ۳- زیارت عاشورا، که فضل آن بر مرتبتین با مقام منبع ولایت پوشیده نیست و علما و عرفا آثار خاصی را برای آن نقل نموده‌اند.

### مرحوم طبرسی و آخوند ملافتحعلی، ذکر و دعا

ذکر و دعا، مغز عبادت و روح سیر و سلوک معنوی و الهی است. چنان‌که رسول خدا (ص) فرمود: الدعاء مخ العباده: دعا مغز عبادت و پرستش حق است. قرائت قرآن مجید نیز مایه‌ی پرورش روح و جان و ارتباط بیشتر انسان با خالق منان است. به ویژه اگر مراتب تدبیر در معانی آیات بیشتر باشد. روح مردان خدا، ارتباطی ناگسستنی با عبادت، دعا و قرائت آیات بینات حضرت حق دارد و مردان خدا، نورانیت روح، دل و جان خود را مدیون این دو دانند. آخوند ملافتحعلی قرائت قرآن، ذکر و دعا را در راس برنامه‌های شبانه‌روزی خود قرار می‌داد و بر آن مداومت و مواظبت می‌نمود (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۵۱).

مرحوم طبرسی در این زمینه می‌فرماید: آقا علی‌رضا به من گفت: مدتی طولانی با مولای نامبرده (آخوند ملافتحعلی) رفیق بودم. او بسیار زاهد و عابد بود. بیش از سی سال، هر روز شصت سوره از قرآن را که سوره‌های حج، یس و صافات، جزئشان بود قرائت می‌کرد. همچنین شصت دعا از جمله ابوحمزه و خمسۀ عشر و مانند آنها را می‌خواند و بسیار نماز دو رکعتی به جا می‌آورد که ای‌کعبه و ای‌ک نستعین را در آنها هزار یا پانصد بار تکرار می‌نمود.

## سه نفر از بزرگان مراقبه‌ی نفس از نظر مرحوم نائینی

مرحوم ملافتحعلی سلطان‌آبادی که از اعظام، از اعجوبه‌های عالم خلقت است مرحوم آقای بهجت ما (روحی فداه) نقل فرمودند از علامه‌ی طباطبایی که فرمودند: آقای طباطبایی - با همین تعبیر - از مرحوم نائینی نقل کرد که آقای نائینی فرمودند: من در میان اهل مراقبه هیچ کسی را به پایه‌ی این سه نفر نمی‌شناسم. یکی مرحوم سید بن طاووس که مشهور است سید اهل مراقبه است؛ دومی سید بحر العلوم، سومی ملافتحعلی سلطان‌آبادی که آقای بهجت فرمودند: من به آقای طباطبایی گفتم که نائینی هم چهارمین آن‌ها بود ولی خود را نشان داد و خود را لو نداد و الا خود نائینی هم اهل باطن بوده است، اهل سر بوده است، اهل سیر و سلوک بوده است. فرمودند: من به ایشان گفتم نائینی خود هم چهارمین آن‌ها بود.

## علت نازل شدن مائده‌ی آسمانی برای فتحعلی سلطان‌آبادی

مرحوم فتحعلی سلطان‌آبادی در دوران طلبگی خود یک خانی - سلطان آباد همین اراک است - از خوانین آن‌جا به این مدرسه ماهیانه می‌داده است و این‌ها هم آسوده خاطر بودند. ماهیانه را قطع می‌کند. ملافتحعلی گرسنه می‌شود. یکی دو روز صبر می‌کند، قصد می‌کند در خانه‌ی خان برود بگوید: چرا قطع کردی، طلبه‌ها گرسنه هستند، وضع آن‌ها بد است؟ در مسیر برمی‌خورد به یک زنی که داشته است رخت می‌شسته است، او یک شعری می‌خواند: (دیده‌ای خواهم سبب سوراخ کن) می‌بیند این شعر برای این نیست، به زبان او جاری کردند که چرا توجه به سبب داری و مسبب و اسباب را بین. چرا به سراغ این می‌روی؟ برمی‌گردد، یک طلبه‌ی امام زمان که نباید در خانه‌ی خان برود. برمی‌گردد مائده‌ی آسمانی برای او می‌آمده است. برای ملافتحعلی سلطان‌آبادی در طلبگی او مائده‌ی آسمانی می‌آمده است. در حالات مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی، نه این استاد مرحوم علامه طباطبایی و آقای بهجت و این‌ها این آیت الله آقا شیخ محمد حسین اصفهانی غروی مشهور به کمپانی این هم جزء اعظام است، جزء اعجوبه‌ها است ولی آن آقا شیخ محمد حسین مفسر که یک وقت من از آقای طباطبایی پرسیدم که این آقا شیخ محمد حسین استادی هم داشته است که به این‌جا رسیده است فرمود: بله، ملافتحعلی سلطان‌آبادی را دیده بود. هم استاد مائده دریافت می‌کرده

است هم شاگرد. برای مرحوم آقا شیخ محمد حسین مفسر هم مائده می‌آمده است و این جزه یقینات امور است.

### نتیجه‌گیری

عالم ربانی و فقیه صمدانی ملا فتح علی سلطان‌آبادی، یکی از رجال بزرگ علم و معرفت، زهد و کرامت و از مفاخر حوزه‌های علمیه به شمار می‌آید. این فقیه فرهیخته و عارف برجسته، دروس مقدماتی را در ایران فراگرفت آن‌گاه برای تکمیل مراتب علم و فضل خود به نجف اشرف هجرت کرد و سالیانی چند در کمال جدیت و خلوص و فارغ از دنیا و مظاهر فریبنده‌اش به تعلم و تزکیه پرداخت و توانست به مراتب عالی‌ه‌ای از دانش و اخلاق عملی دست یابد تا بدان حد که شخصیت‌های نامداری در محضر این عارف فرزانه و با بصیرت، تربیت شدند و از رهنمودهای علمی و اخلاقی ایشان تاثیر پذیرفتند که فهرست نامشان در این سطور نمی‌گنجد. مقام شامخ و بس‌والای این عالم ربانی موجب شد تا بسیاری از علمای بزرگ و ارباب تراجم از ایشان نهایت تکریم و تجلیل را به عمل آورند.

حاج شیخ عباس قمی قدس سره از ملافتحعلی سلطان‌آبادی چنین یاد می‌کند: عالم جلیل و مفسر بی‌بدیل، عالم ربانی و ابوذر ثانی، مجمع تقوا و ورع و ایقان و مخزن اخبار و تفسیر آیات قرآن، صاحب کرامات باهره حشره‌الله مع العتره الطاهره شیخ شیخ محدث ما - نورالله مرقد است. جلالت شن و رفعت مقامش زیاده از آن است که ذکر شود. همچنین حاج میرزا حسین نوری قدس سره از ایشان چنین یاد کرده است: او از هر رفتار خوب، بهترین آن را و از هر فضیلتی روشن‌ترین، از هر خصلتی شریف‌ترین و در هر خیری عالی‌ترین و از هر عملی، جوهره و خالص و حقیقت آن را در وجودش جمع کرده بود... او نمونه کاملی از یک پارسای خداجو بود که امیرالمومنین علی علیه السلام صفات آنان را برهمام بن عباده در توصیف یک شیعه کامل شمرده است و من برای آن بزرگ مرد، در این عرصه شریک و نظیری نیافتم....

آن مرد خودساخته در موارد مناسب از انسانهای گرفتار دستگیری و آنان را به سوی حق هدایت می‌کرد. عالمان دین و مردان عرصه عمل تلاش می‌کنند رفتار و گفتارشان موجب رضایت حضرت ولی عصر(عج) شود و امید دارند کارهایی که برای پیشرفت جامعه انجام می

دهند، مورد عنایت حضرت باشد نشانه‌هایی در دست است که مرحوم ملافتحعلی مورد توجه امام زمان(عج) بود.

آخوند سلطان‌آبادی، در تفسیر و معانی قرآن از تجرّح خاصی برخوردار بود. گاهی برای برخی از آیات قرآن، معانی متعدد و ظریفی را بیان می‌کرد که علمای ممتاز، آن را تفسیر جدید و درستی می‌دانستند. این فقیه پارسا در دوران زعامت میرزای بزرگ، آیه‌الله العظمی محمدحسن شیرازی مدتی در سامرا اقامت گزید و ملازم آن استاد بزرگ بود. مرحوم میرزا نیز توجه و علاقه‌ای خاص به ایشان داشت تا جایی که بارها در نماز به او اقتدا کرده است. گرچه روح اخلاص و تواضع آن عالم مهذب سبب شد تا از شهرت گریزان باشد و امتیازات علمی عملی و مقامات عالیه خویش را مخفی بدارد اما بزرگان و تذکره نگاران متعهد گوشه‌هایی از منزلت آن راد مرد الهی را به قلم کشیده‌اند که بسیار جالب و با اهمیت است. در کل ویژگی‌های ایشان عبارت بودند از: در پرتو عنایت امام زمان، آگاهی به معانی و تفسیر قرآن، مورد تکریم بزرگان و مراجع، احترام به سادات، تعظیم قرآن، صبر و گذشت، توجه به آثار زیارت عاشورا.

با توجه به سیره، رفتار و سخنان بزرگان شیعه درباره ملافتحعلی سلطان‌آبادی و مصادیقی که از عرفان و سلوک و باورهای دینی ایشان ذکر شده، می‌توان وی را به عنوان الگویی ممتاز و تاثیر گذار برای جهان اسلام و مخصوصا اهل ایمان معرفی کرد.

## منابع

### قرآن کریم

آقابابا، علی(۱۳۷۸) مروری بر حضور و نقش آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در شهر اراک، فصلنامه راه دانش، تحقیقات فرهنگی - هنری استان مرکزی، ش مسلسل ۹، ش ۱۷-۱۸، ص ۲۳۹-۲۷۹.

امین عاملی، سید محسن(۱۴۲۱ ق) اعیان الشیعه، بی جا: دارالتعارف، ج ۸.

امین، سید حسن (۱۳۷۵) آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی، مجله کیهان اندیشه، شماره ۶۵.

- استادی، رضا (۱۳۸۷) آئینه صدق و صفا: شامل شرح حال آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و صدها خاطره و داستان و نکته. ..، بی جا: دفتر نشر برگزیده،
- استادی، رضا (۱۳۷۵) یادنامه آیت الله العظمی اراکی (ره)، اراک: انجمن علمی، فرهنگی و هنری استان مرکزی.
- افراسیاب پور، علی اکبر و حسین شاکری (۱۳۹۳) طریقت عرفانی ملافتحعلی سلطان آبادی (اراک)، نشریه علمی، تخصصی فرهنگ پژوهی مرکزی، سال اول، شماره ۱.
- تبریزی، ملا علی (۱۳۸۳ش) علمای معاصرین، به تصحیح عبدالرحیم عقیقی بخشایشی قم: انتشارات نوید اسلام.
- حکیم، محسن (۱۴۰۸ ق) حقایق الاصول فی شرح الکفایه، قم: مکتبه بصیرتی، ج ۱، ص ۹۵.
- قمی، عباس بن محمد رضا (۱۳۸۵ش) فوائدالرضویه، سرگذشت عالمان شیعه، قم: بوستان کتاب، ص ۳۴۴.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۵۹) تاریخ حکما و عرفا متاخرین صدرالمتالهین، بی جا: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۷۱) آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی، کیهان اندیشه، ش ۴۵. عراقی میثمی، محمود (۱۳۵۲) دارالسلام، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- عباس پور، رضا (۱۳۹۰) سلوک عرفانی علامه شیخ محمد تقی بلول شگفتی روزگار، مجموعه مقالات برگزیده همایش بهلول شگفتی روزگار، مشهد: انتشارات سخن گستر.
- شریف رازی، محمد (۱۳۵۲) گنجینه دانشمندان، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ج ۳ و ۲
- صدر، سید حسن (۱۴۲۹ ه. ق) تکمله امل الامل، مصحح حسین علی محفوظ، بیروت: دار المورخ العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴) در جستجوی عرفان اسلامی، تدوین و نگارش مهرداد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نیک عمل، عبدالرحیم و حسین بن محمد تقی نوری (۱۳۸۰) دارالسلام (منتخبی از رویاهای صادق)، بی جا: نشر هفت.



نعیمی، داوود (۱۳۸۵) سلطان سلوک، شرح احوال، خاطرات و آثار، آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی، قم: نشر کومه.

نعیمی، داوود (۱۳۸۵) افتخار آفرینان استان مرکزی، قم: نشر کومه، ج ۳.

نیکی ملکی، حجت‌الله (۱۳۸۶) آفتاب عرفان: جرعه‌ای از حیات و احوال ملاحسینقلی همدانی، تهران: انتشارات نیک ملکی.

نشاری، احمد (۱۳۸۵) شرح حال آیت‌الله ملاحسین قلی همدانی (ره)، تهران: نشر کانون اندیشه جوان.

یثربی، سید یحیی (۱۳۸۶) عرفان و شریعت، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.